

تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

بهمین زندگی^o ■ بلقیس روشن^{**} ■ حسین قاسم پور مقدم^{***} ■ زهرا باباسالاری^{****}

چکیده:

این مقاله با هدف بررسی استعاره‌های کارکردی کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی، در چارچوب زبان‌شناسی شناختی، تحریر یافته و روش پژوهش آن توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است. اهمیت این تحقیق در این است که چون استعاره یکی از مفاهیم انتزاعی مهم تفکر و زبان محسوب می‌شود؛ جهت آموزش آن، ابزار مهمی چون زبان - به این دلیل که بیش از هر عامل دیگری به پیشرفت فکری کودک کمک می‌کند - باید به شیوه‌ای علمی و مناسب در اختیار وی قرار گیرد. نتایج حاصل از مطالعه و بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که کلیه انواع استعاره‌های کارکردی (وجودی، جهتی و ساختاری) در کتاب‌های فارسی دوم تا ششم دوره ابتدایی کاربرد دارند ولی در کتاب فارسی اول ابتدایی، تنها استعاره وجودی به کار رفته است. دیگر این که بیشترین میزان کاربرد استعاره‌های کارکردی به استعاره وجودی (۹۷/۴٪) اختصاص می‌یابد. کاربرد بیشتر استعاره وجودی حجمی با ۵۱/۳ درصد نسبت به دیگر انواع استعاره‌های وجودی (تشخیصی، شیء و ماده)، از دیگر نتایج این پژوهش است. از مهم‌ترین نتایج این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که استفاده از استعاره وجودی باید در مراحل اولیه‌ای که دانش‌آموزان اطلاعات کمی در زمینه مفاهیم دارند، مورد استفاده قرار گیرد و سپس به تناسب سن، به دلیل افزایش رشد شناختی، از میزان آن‌ها کمتر شده و از استعاره‌های پیچیده‌تر استفاده گردد. همچنین از آنجا که پدیده «تشخیص» از ویژگی‌های تفکر دانش‌آموزان ابتدایی محسوب می‌شود، استفاده مناسب از آن می‌تواند به آن‌ها، به‌ویژه در سنین پایین‌تر، کمک کند تا مفاهیم ناملموس، غیرمادی، مبهم و انتزاعی را راحت‌تر درک کنند.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، کتاب درسی، زبان فارسی، دوره ابتدایی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۵ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۴/۳/۲۴ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۲۸

* استاد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور zandi_12@yahoo.com
** دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور sh.melikana@yahoo.com
*** استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (برنامه‌ریزی درسی) h44ghasempour@yahoo.com
**** دکترای زبان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور babasalari.z@gmail.com

مقدمه

امروزه زبان‌شناسی شناختی^۱ از جایگاه علمی والایی برخوردار است، بنابراین می‌توان از اصول آن برای پیشرفت و بهبود بسیاری از زمینه‌ها از جمله آموزش (کریستیانسن، آشار، دیرون و ایوانیس^۲، ۲۰۰۶) و در راستای آن تحلیل کتاب‌های درسی، به‌خصوص تحلیل متون زبانی آن‌ها، بهره‌جست؛ زیرا به‌زعم لاند^۳ (۲۰۰۳) زبان بیش از هر عامل دیگری به پیشرفت رشد فکری انسان، به‌ویژه کودکان، کمک می‌کند (رشتچی، ۱۳۸۹). رسولی و امیرآشانی (۱۳۹۰) نیز در اثر خود، تحلیل محتوا با رویکرد درسی، معتقدند برای تحلیل محتوای دقیق یک کتاب درسی، آشنایی با نظریه‌هایی چون نظریه کارکردگرایی، نظریه تداعی‌گرایی و نظریه شناختی لازم است؛ زیرا این امر نقش بسزایی در انتقال مطالب به فراگیران دارد. زبان‌شناسی شناختی نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از علوم شناختی^۴ دارای ویژگی‌هایی است که باعث کارایی مثبت آن در زمینه آموزش (چن^۵، ۲۰۰۵) و تحلیل محتوا گردیده است. یکی از این ویژگی‌های مهم، توجه خاص آن به استعاره است. مطالعه استعاره در این رویکرد، و به‌طور ویژه در معناشناسی شناختی، از جایگاهی شاخص و متفاوت برخوردار است، زیرا در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و همچنین در امر اندیشیدن، عنصری بنیادین محسوب می‌شود (لیکاف^۶، ۱۹۹۳). بنابراین دستیابی به آن (استعاره)، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم انتزاعی، می‌تواند راه را برای حصول به بالاترین سطح تفکر هموار نماید. جهت تحقق این امر، به اعتقاد ویگوتسکی^۷ (۱۹۸۸)، باید از آموزش برای رسیدن به بالاترین سطح تفکر استفاده کرد؛ زیرا دستیابی به مفاهیم انتزاعی تفکر، تنها در جوامع پیشرفته و با آموزش رسمی میسر است (میرحسینی، ۱۳۸۳). از آنجاکه در کشور ما نیز فعالیت‌های رسمی آموزشی از طریق کتاب‌های درسی محقق می‌شود، توجه علمی و دقیق به کتاب‌ها، هم در فرایند تهیه و تدوین و نیز تحلیل محتوا، امری مهم و اجتناب‌ناپذیر است. از میان کتب درسی، کتاب‌های درسی ابتدایی، به‌خصوص فارسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با استفاده کارآمد از آموزه‌های زبانی این کتاب، دانش‌آموزان نه تنها شیوه مناسب تعاملات اجتماعی را فرا می‌گیرند، بلکه به درک آسان‌تر علم و فرهنگ نیز که نمود آن بیشتر از طریق زبان ظاهر می‌شود نائل می‌آیند. دوره ابتدایی دوره‌ای است که دانش‌آموزان، به دلیل ویژگی‌های شناختی خود، باید بسیاری از آموخته‌ها و یادگیری‌ها را از طریق مفاهیم انتزاعی، از جمله استعاره‌های زبانی، بیاموزند، ضمن اینکه این دانش‌آموزان در مدرسه، به‌طور پیوسته در معرض زبان‌آموزی هستند؛ بنابراین جا دارد میزان کاربرد استعاره‌های کارکردی در کتاب‌های فارسی ابتدایی مورد بررسی و تحلیل شناختی قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه

استعاره، یکی از موضوعات مهم زبانی است و از یونان باستان تا امروز، همواره مورد مطالعه و بررسی بوده و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. سعید^۸ (۲۰۰۳) به دو دیدگاه سنتی نسبت

به نقش استعاره در زبان قائل است: دیدگاه کلاسیک و دیدگاه رمانتیک. دیدگاه کلاسیک به نوشته‌های ارسطو درباره استعاره برمی‌گردد. واژه انگلیسی متافور (metaphor) به معنی استعاره، مشتق از واژه یونانی metapherein است: meta پیشوندی به معنی «فرا» و pherein فعلی به معنی «حمل کردن» است. بنابراین استعاره فرایندی زبانی است که در آن خصایص و ویژگی‌های یک چیز به چیز دیگری منتقل (حمل) می‌شود (گارفیلد، ۱۹۸۶). «از نظر ارسطو استعاره شگردی برای هنرآفرینی و زبان ادب است» (صفوی، ۱۳۷۹، ص. ۳۶۸). دیدگاه سنتی دوم یا دیدگاه‌های رمانتیک، به قرن هجدهم تا نوزدهم برمی‌گردد. بر اساس این دیدگاه، استعاره جزء لاینفک زبان و اندیشه و راهی برای تجربه کردن جهان است (سعید، ۲۰۰۳).

تا قبل از انتشار کتاب معروف لیکاف و جانسون^{۱۱} (۱۹۸۰) به نام «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»^{۱۱}، استعاره را بیشتر یکی از صنایع ادبی می‌دانستند. اما لاکوف و جانسون این دیدگاه سنتی کلاسیک و پرسابقه را به چالش کشیدند. هر چند دیدگاه ایشان برگرفته از همان دیدگاه سنتی رمانتیک، البته با یک تفاوت اساسی، است. در دیدگاه سنتی رمانتیک کل زبان استعاری است. اما لاکوف و جانسون، و به‌طورکلی شناخت‌گرایان، معتقدند گرچه استعاره در زبان روزمره ما حضوری فراگیر دارد و مهم‌ترین شیوه برای عمل کردن، اندیشیدن و صحبت کردن درباره جهان است، لیکن مفاهیم غیراستعاری نیز در زبان وجود دارند. به باور لاکوف و جانسون (۱۹۸۰)، از آنجاکه نظام مفهومی ما بیشتر استعاری است، آنچه تجربه می‌کنیم و آنچه انجام می‌دهیم نیز استعاری است. آن‌ها می‌گویند به این دلیل که نظام مفهومی بدون آگاهی ما فعالیت دارد، برای دستیابی به سازوکار آن باید به چیز دیگری متوسل شد، و از آنجاکه ارتباط بر اساس همین نظام مفهومی است که ما در اندیشه و عمل به کار می‌گیریم، پس می‌توان زبان را شاهد مناسبی بر این مدعا دانست.

با توجه به دیدگاه جدید، در معناشناسی شناختی استعاره را این‌گونه تعریف می‌کنند: «درک یک قلمرو مفهومی^{۱۲} بر حسب قلمرو مفهومی دیگر» (کووچش^{۱۳}، ۲۰۱۰، ص. ۴). به اعتقاد ایوانز و گرین^{۱۴} (۲۰۰۶)، آنچه باعث ایجاد استعاره می‌شود رابطه قراردادی یک قلمرو با دیگر قلمرو است و آنچه آن را مفهومی می‌سازد این ایده است که انگیزه برای [ایجاد] استعاره در سطح قلمروهای مفهومی قرار دارد. پس می‌توان گفت عبارات زبانی که ماهیتی استعاری دارند انعکاس‌هایی از یک رابطه مفهومی زیرین هستند.

در ادبیات استعاره مفهومی، از فرمول «الف ب است» (A is B) برای توصیف این استعاره استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال «عشق سفر است». همان‌طور که این مثال نشان می‌دهد «سفر» در نقش قلمرو مبدأ^{۱۵} برای ملموس و روشن کردن مفهوم انتزاعی «عشق» در نقش قلمرو مقصد^{۱۶} به کار می‌رود. به اعتقاد راسخ‌مهند (۱۳۸۹)، این مثال و موارد دیگری از این قبیل همه گویای این مطلب‌اند که استعاره

تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

مفهومی پایه‌ای تجربی^{۱۷} دارد. اگر استعاره مفهومی در قالب واحدهای زبانی بیان شود، حاصل آن «استعاره زبانی»^{۱۸} یا «لفظ زبانی استعاره»^{۱۹} است (کوچش، ۲۰۱۰). در زبان، شاهد موارد زیادی استعاره هستیم که در قالب «الف ب است» بیان نمی‌شوند و در واقع استعاره‌های زبانی هستند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به نمونه‌های زیر درباره «رابطه عاشقانه» اشاره کرد که در زبان روزمره ما وجود دارند:

۱. دیگر راه بازگشتی نیست.

۲. جاده زندگی ما پر از دست‌انداز است.

۳. این رابطه به بن‌بست رسیده (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۹).

این نمونه‌ها در واقع همان استعاره‌های زبانی هستند که اساس آن‌ها این استعاره مفهومی است: «عشق سفر است». از همان ابتدای رویکرد جدید به استعاره در معناشناسی شناختی، این پدیده را برای مطالعه دقیق‌تر طبقه‌بندی کرده‌اند. یک نمونه کامل از این طبقه‌بندی را می‌توان در کتاب «استعاره، مقدمه‌ای کاربردی»^{۲۰} یافت. کوچش معتقد است که استعاره را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرد. تقسیم‌بندی وی بر پایه یکی از این شیوه‌ها در چارچوب زبان‌شناسی شناختی است. او به پنج نوع اصلی در این زمینه قائل است که هر یک، به نوبه خود، به شاخه‌های دیگر تقسیم می‌شوند: «متعارف‌بودن»^{۲۱}، «کارکرد»^{۲۲}، «ماهیت»^{۲۳}، «سطح عمومیت»^{۲۴} و «مرکب بودن»^{۲۵} (کوچش، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر، به دلیل گستردگی بحث، داده‌ها تنها بر اساس طبقه‌بندی دوم، یعنی «کارکرد»، تجزیه و تحلیل خواهند شد. با توجه به کارکرد شناختی استعاره، استعاره‌های مفهومی به سه نوع تقسیم می‌شوند: «ساختاری»^{۲۶}، «جهتی»^{۲۷} و «وجودی»^{۲۸}.

استعاره ساختاری سخنگو را قادر می‌سازد تا با به‌کارگیری مجموعه‌ای از تطابق‌های مفهومی بین عناصر دو قلمرو، قلمرو مقصد را بر اساس قلمرو مبدأ درک کند. در واقع قلمرو مبدأ، ساختار دانش نسبتاً وسیعی را برای قلمرو مقصد فراهم می‌آورد. به‌عنوان مثال، مفهوم زمان بر اساس حرکت و فضا ساختار یافته است. با این توصیف می‌توان نگاشت‌های زیر را در نظر گرفت: «زمان چیز است»، «گذر زمان حرکت است» و «زمان‌های آینده در جلوی مشاهده‌گر و زمان‌های گذشته پشت سر او قرار دارند». این مجموعه از نگاشت‌ها، تصور ما را نسبت به زمان به‌وضوح نشان می‌دهند (همان). مثال‌های زیر، این نگاشت‌ها را به ترتیب نشان می‌دهند:

۴. وقت طلاست. (زمان چیز است)

۵. وقتی می‌آید که ... (گذر زمان حرکت است)

۶. اوقات سختی را پشت سر گذاشتی (زمان‌های آینده در جلوی مشاهده‌گر و زمان‌های گذشته پشت سر او قرار دارند).

استعاره جهت‌ای مجموعه‌ای از مفاهیم مقصد را در نظام مفهومی ما به هم مرتبط می‌کند، به این دلیل نام دیگر این استعاره «استعاره پیوستگی» است. بیشتر این نوع استعاره‌ها در مورد جهات فضایی و اساسی بشر، مثل بالا، پایین، مرکز، حاشیه و از این قبیل کاربرد دارند. به عنوان مثال؛ «بیشتر بالا است؛ و کمتر پایین است»:

۷. صدات را بالا ببر (speak up).

۸. صدات را پایین بیاور (keep your sound down) (همان).

کار استعاره وجودی، دادن موقعیت وجودی (هستی‌شناختی) جدید به مقولات کلی مفاهیم انتزاعی قلمروی مقصد و فراهم آوردن پدیده‌های انتزاعی جدید است. این امر بدین معنی است که انسان به طور کلی تجربیات خود را برحسب اشیاء، مواد و حجم‌ها تجربه می‌کند، بدون این که ماهیت آن‌ها را دقیقاً مشخص سازد^{۲۹}. با وجود این، به لحاظ شناختی، این کار مهمی است که بتوان به بسیاری از تجربه‌ها، برحسب اشیاء، مواد و از این قبیل، موقعیت‌های پایه‌ای داد. بیشترین تجربیاتی که از طریق این استعاره بیان می‌شوند، موارد مبهم و انتزاعی هستند. به طور نمونه، ما نمی‌دانیم «ذهن» چیست، لیکن آن را به عنوان یک شیء درک می‌کنیم و مثلاً از «چه» که مختص اشیاء است برای آن استفاده می‌کنیم (همان).

طبقه‌بندی این استعاره را می‌توان به طور خلاصه در نمودار زیر نشان داد:

قلمروهای مبدأ	قلمروهای مقصد
شیء فیزیکی ←	۱. پدیده‌های انتزاعی یا غیر فیزیکی (مثل ذهن) ۲. رویدادها (رفتن به مسابقه)، کنش (تلفن زدن)
ماده ←	فعالیت‌ها (دو زیاد در مسابقه)
حجم ←	۱. اشیای فیزیکی نامعین (فضایی در جنگل) ۲. سطوح فیزیکی و غیر فیزیکی (میدان دید) ۳. حالات (در آرامش)

نمودار ۱. طبقه‌بندی استعاره وجودی از دیدگاه کوچش (۲۰۱۰، ص. ۳۹)

در مورد استعاره‌های حجمی باید گفت از آنجاکه حجم بدن انسان پایه و اساس قرار می‌گیرد، بنابراین سازوکار استعاره‌ای از حجم بدن انسان شروع می‌شود و به مکان‌های بسته و دارای مرز فیزیکی و غیر فیزیکی بسط پیدا می‌کند. گرچه مفهوم حجم در مورد حوزه‌های فیزیکی مانند «در اتاق»، «در روستا» و «در شالیزار» بدیهی است، لیکن نمی‌توان سازوکار استعاره‌ای آن را نادیده

گرفت (معصومی و کردبیچ، ۱۳۸۹).

علاوه بر موارد فوق، به عقیده کووچش (۲۰۱۰) می‌توان «تشخیص^{۳۰}» یا جان‌بخشی را نیز به‌عنوان شکلی از استعاره وجودی درک کرد. در تشخیص، ویژگی‌های حیاتی به چیزها یا پدیده‌های غیرحیاتی و جمادات منتسب می‌شود.

امروزه استعاره نه تنها یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعات و بررسی‌های زبانی، بلکه یکی از مهم‌ترین موضوعات رشته‌هایی چون فلسفه و روان‌شناسی است. دلیل آن این است که بسیاری از نتایج بررسی‌ها، نشان از حضور فراگیر استعاره در کلیه امور بشری دارد. در رویکرد شناختی این باور هست که چون انسان استعاری می‌اندیشد، سخن و عمل او نیز تحت تأثیر آن استعاری می‌شود.

در مورد این پژوهش باید گفت از عناصر و عواملی چون اهمیت این موضوع، اثبات نقش مؤثر استعاره در امر یادگیری (شیخ‌رضایی، ۱۳۸۸)، تقویت حافظه (گیس، ۱۹۹۴)، تقویت درک دانش‌آموز (کامرون، ۱۹۹۶)، اهمیت کتاب‌های درسی به‌عنوان «مهم‌ترین ابزار یادگیری، از همه مهم‌تر، عدم توجه جدی به تجزیه و تحلیل کتاب‌های درسی» (نوریان، ۱۳۹۲) و بالأخره اهمیت دوره ابتدایی به‌عنوان «مهم‌ترین دوره تحصیلی» (ایران‌نژاد، رونقی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴) انگیزه‌ای برای تحلیل استعاری کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی بر مبنای تقسیم‌بندی کووچش (۲۰۱۰) گردید. جهت هدایت مناسب پژوهش نیز، دو سؤال زیر مطرح شد:

سؤال‌های پژوهش

۱. در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، چه نوع استعاره (های) کارکردی (وجودی، جهتی و ساختاری) کاربرد دارد؟
۲. از بین استعاره‌های وجودی، بیشترین کاربرد به کدام استعاره اختصاص دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش مطالعه‌ای کیفی-توصیفی است. جامعه آماری آن، کلیه متون منثور کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی اول تا ششم در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است. حجم نمونه تحقیق برابر با جامعه آماری است و با شیوه تمام‌شماری کار شده است. در اینجا بررسی نمونه‌ها، به معنی رمزگذاری آن‌هاست. «رمزگذاری فرایندی است که به‌وسیله آن داده‌های خام به‌صورت منظم در واحدهایی قرار می‌گیرند تا امکان توصیف دقیق محتوا را فراهم آورند. عمل رمزگذاری شامل سه نوع انتخاب است: واحد ثبت، طبقه‌ها و واحد شمارش» (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۱). واحد ثبت در تحلیل محتوای درسی این‌گونه تعریف می‌شود: «بخش معناداری از محتوا که برای انجام تحلیل کتاب درسی، انتخاب شده و در طبقه مربوطه قرار داده می‌شود و سپس شمارش می‌گردد»

(نوریان، ۱۳۹۲، ص. ۲۴). در این پژوهش، واحد ثبت «جمله» است. طبقه‌بندی نیز به معنای دسته‌بندی عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه به وسیله تمایز و بعد مقوله‌بندی آن‌ها بر پایه شباهت‌ها و ملاک‌های از پیش تعریف شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱). در این تحقیق، طبقه‌بندی در دو سطح انجام می‌شود: طبقه‌بندی در سطح استعاره‌های کارکردی و طبقه‌بندی در سطح استعاره‌های وجودی. در سطح استعاره‌های کارکردی، سه طبقه (استعاره‌های وجودی، جهت‌ی و ساختاری) و در سطح استعاره‌های وجودی، چهار طبقه (استعاره‌های حجمی، شیء، ماده و تشخیص) انتخاب گردید. واحد شمارش، واحدی است که می‌تواند بر اساس طبقه‌های مرتبط انتخاب شود. در اینجا، واحد شمارش در مرحله اول، انواع استعاره‌های کارکردی و در مرحله دوم، انواع استعاره‌های وجودی است. اعتبار و روایی ابزار ساخته‌شده، به این صورت بود که ابزار مربوطه در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران و استادان زبان‌شناسی شناختی و آموزش زبان فارسی قرار داده شد، سپس نظرات آنان در متن ابزار اعمال گردید و در نهایت به اجرا گذاشته شد. در آخر، بعد از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل یکی از پایه‌های اساسی هر روش تحقیق و عبارت است از روشی که از طریق آن کل فرایند پژوهشی، از انتخاب مسئله تا دسترسی به یک نتیجه، هدایت می‌شود. چون غالب مسائل پژوهشی موجود در تعلیم و تربیت خیلی وسیع و گسترده هستند، پژوهشگر برای پاسخ‌گویی به مسائل تدوین شده و یا تصمیم‌گیری در مورد رد یا تأیید فرضیه‌ای که صورت‌بندی کرده است، از روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل استفاده می‌کند (دلاور، ۱۳۹۱). روش انتخابی این پژوهش از نوع توصیفی و کیفی است. از آنجاکه حجم کتاب‌های پایه‌های ابتدایی متفاوت است، جهت تعیین صحیح فراوانی استعاره‌ها، از فراوانی نسبی (فراوانی متغیر نسبت به کل جملات کتاب هر پایه تحصیلی) استفاده شده است. در بخش توزیع فراوانی، به تعداد حضور متغیر مورد نظر در جملات هر کتاب و نیز مجموع کتاب‌ها اشاره شده است.

■ یافته‌های پژوهش

هر کتاب در مرحله اول، بر اساس کارکرد شناختی استعاره و در مرحله دوم، بر پایه انواع استعاره‌های وجودی، به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل شد که به هر یک اشاره می‌گردد:

در کتاب فارسی اول ابتدایی، تمامی جملات موجود در بخش‌های «گوش کن و بگو»، «به دوستان بگو»، «بگرد و پیدا کن» و همچنین جملات موجود در متون درس‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. به‌طورکلی ۳۷۲ جمله شمارش گردید که از بین آن‌ها، ۲۲۵ استعاره استخراج شد که همه از نوع استعاره وجودی بودند. در این کتاب، استعاره‌های جهت‌ی و ساختاری مشاهده نشد. بررسی این استعاره‌ها نشان داد که مفاهیم مبهم و انتزاعی، به‌ترتیب در قالب استعاره‌های وجودی حجم (۱۱۰)، تشخیص (۷۵)، شیء (۲۹) و ماده (۱۱) بیان شده‌اند. مثال‌هایی از انواع استعاره وجودی (۹-۱۲) در

زیر آمده است:

استعاره‌های وجودی

۹. از خواب پرید. (در این جمله حالت، حجم است (استعاره وجودی حجم))
۱۰. خروس زد زیر خنده. (دادن ویژگی‌های انسانی به غیر انسان (استعاره وجودی تشخیص))
۱۱. مرغابی‌ها به لاک‌پشت گفته بودند ... جواب ندهد. (در این جمله، «جواب» شیء تلقی می‌شود که قابلیت دادن و ندادن دارد، در اینجا «چیز انتزاعی»، شیء است (استعاره وجودی شیء))
۱۲. دو رنگ (پیدا کن) که صدای «ز» داشته باشد. (در اینجا، «صدا» ماده است، زیرا مطروف رنگ است)^{۳۱} (استعاره وجودی ماده)

در کتاب فارسی دوم ابتدایی، تمامی جملات منثور مورد بررسی قرار گرفتند. به‌طور کلی ۸۵۱ جمله شمارش شد که از بین آن‌ها ۶۵۶ استعاره کارکردی استخراج گردید. مطالعه این استعاره‌ها نشان داد که مفاهیم مبهم و انتزاعی، به‌ترتیب، در قالب استعاره وجودی (۶۳۲)، استعاره ساختاری (۱۳) و استعاره جهتی (۱۱) بیان شده‌اند. در استعاره‌های وجودی نیز، مفاهیم به‌ترتیب در قالب، حجم (۳۶۴)، تشخیص (۱۷۳)، شیء (۷۸) و ماده (۱۷) آمده‌اند. در زیر به چند نمونه از این استعاره‌ها اشاره شده است:

الف. استعاره‌های وجودی

۱۳. تو در برگزاری جشن نوروز چگونه کمک می‌کنی؟ (استعاره وجودی حجم)
۱۴. خروس گفت: «پدرم همیشه مرا نصیحت می‌کرد.» (استعاره وجودی تشخیص)
۱۵. خال‌خال غصه می‌خورد. (استعاره وجودی شیء)
۱۶. خیلی دلش سوخت. (استعاره وجودی ماده)

ب. استعاره ساختاری

۱۷. دو سال گذشت.
۱۸. سال گذشته به زیارت امام رفته بودیم.

ج. استعاره جهتی

۱۹. صدای اذان از گلدسته‌ها بلند شد.
۲۰. ناگهان صدای پرطلا به آسمان رفت.

در کتاب فارسی سوم ابتدایی تعداد ۱۰۰۷ جمله یافت شد که از بین آن‌ها، ۱۰۸۳ استعاره کارکردی شمارش گردید^{۳۲}. بررسی‌ها نشان داد که، به‌ترتیب، استعاره وجودی (۱۰۵۸ مورد)، استعاره ساختاری (۱۸ مورد) و استعاره جهتی (۷ مورد) بیانگر مفاهیم استعاری هستند. میزان کاربرد استعاره‌های وجودی نیز به‌ترتیب عبارت‌اند از: استعاره‌های وجودی حجم (۵۱۷ مورد)، شیء (۳۷۴ مورد)، تشخیص

(۱۴۶ مورد) و ماده (۲۱ مورد). مثال‌های زیر از این کتاب است:

الف. استعاره‌های وجودی

۲۱. در زنگ هنر دانش‌آموزان صورتک‌هایی از بلدرچین و برزگر می‌سازند. (حجم)
۲۲. به شما مژده می‌دهم که دیشب خواب بسیار خوبی دیده‌اید. (شیء)
۲۳. رگبار گلوله اشغالگران سهام را به آغوش خدا رساند. (تشخیص)
۲۴. دلی که پر از غصه است؛ ... (ماده، «غصه» مظروف «دل» است)

ب. استعاره ساختاری

۲۵. این ظرف‌ها در هزاران سال قبل، به علت‌های مختلف زیر خاک رفته‌اند.

ج. استعاره جهت‌ی

۲۶. سعید هم جلوی کلاس ایستاد و با صدای بلند خواند: به نام خدا.

از کتاب فارسی چهارم ابتدایی ۱۴۰۴ جمله استخراج شد که از بین آن‌ها، ۱۳۹۲ استعاره از نوع کارکردی شمارش گردید. مطالعه این استعاره‌ها نشان داد که مفاهیم مبهم و انتزاعی، به ترتیب در قالب استعاره‌های وجودی (۱۳۶۰ مورد)، ساختاری (۲۱ مورد) و جهت‌ی (۱۱ مورد) بیان شده‌اند. در گام بعدی، استعاره‌های وجودی شمارش گردیدند که به ترتیب بزرگی عبارت‌اند از: استعاره حجمی (۷۰۸)، شیء (۳۶۵ مورد)، تشخیص (۲۴۳ مورد) و ماده (۴۴ مورد). نمونه‌هایی از این استعاره‌ها در زیر آمده است:

الف. استعاره‌های وجودی

۲۷. در خیال خود یک زیردریایی ساخت. (حجم)
۲۸. بخت خودم را پیدا کردم. (شیء)
۲۹. موش جوان سوت می‌زد. (تشخیص)
۳۰. فردا همه خجالت‌های تو آب می‌شود. (ماده)

ب. استعاره ساختاری

۳۱. شب‌ها گدشتند.

ج. استعاره جهت‌ی

۳۲. ... و با سلام بلندی وارد اتاق شد.

۳۳. استفاده از کتاب‌خانه از همه ثروت‌های دنیا بالاتر است.

از ۱۳۱۲ جمله مستخرج از کتاب فارسی پنجم ابتدایی، ۲۱۴۷ استعاره شمارش گردید که به ترتیب از بیشتر به کمتر عبارت‌اند از: استعاره وجودی (۲۰۹۱ مورد)، ساختاری (۳۷ مورد) و جهت‌ی (۱۹ مورد). انواع استعاره‌های وجودی نیز به‌عنوان حاملان مفاهیم کاربرد دارند که به ترتیب بزرگی، استعاره‌های

مربوط به حجم (۱۰۳۱ مورد)، شیء (۹۱۶ مورد)، تشخیص (۹۷ مورد) و ماده (۴۶ مورد) هستند. مثال‌هایی از این استعاره‌ها در زیر آمده است:

الف. استعاره‌های وجودی

۳۴. هنوز هم هستند مردانی که او را در کودکی و نوجوانی دیده‌اند. (حجم)
۳۵. آموزگاری که جهل و نادانی را از ذهن بچه‌ها می‌روید. (حجم)
۳۶. هدف نویسندگان از نوشته‌هایشان همیشه روشن نیست. (شیء)
۳۷. چه عزیز و محبوب‌اند دست‌هایی که مهربانی می‌شناسند. (تشخیص)
۳۸. گرمای محبت شما را حس می‌کنم. (ماده)

ب. استعاره‌های ساختاری

۳۹. اگر آن روز از راه برسد ...
۴۰. روزگار را با تنگدستی می‌گذرانیم.

ج. استعاره‌های جهتی

۴۱. چرا بعضی‌ها خودشان را بالاتر و برتر از من می‌دانند؟
۴۲. بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد.

در کتاب فارسی ششم ۸۲۷ جمله وجود داشت که از میان آن‌ها ۱۱۰۹ استعاره کارکردی. ۱۰۷۳ استعاره وجودی، ۲۳ استعاره ساختاری و ۱۳ استعاره جهتی. شمارش گردید. میزان کاربرد استعاره‌های وجودی به ترتیب از بیشتر به کمتر عبارت بود از: استعاره وجودی حجمی (۵۷۲ مورد)، شیء (۴۲۵ مورد)، تشخیص (۴۳ مورد) و ماده (۳۳ مورد). در زیر، به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره گردیده است:

الف. استعاره‌های وجودی

۴۳. اتفاقاً اسب سوار هم ... به همین فکر افتاد. (حجم)
۴۴. آن روز حالت عجیبی داشتم. (شیء)
۴۵. سال‌ها پیش، خیر و شر برای شناکردن به دریا رفتند. (تشخیص)
۴۶. اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر دل، (ماده)

ب. استعاره‌های ساختاری

۴۷. دقایقی سپری شد.

ج. استعاره‌های جهتی

۴۸. صدای بچه‌ها از پشت سرمان بلند شد.
۴۹. قرآن با بیان تشبیهات زیبا می‌خواهد اوج تواضع و مهربانی را برساند.

تحلیل محتوای هئاتختی استعاره‌های کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

در جداول زیر میزان این استعاره‌ها، به تفکیک کتاب‌های درسی و نیز مجموع کتاب‌ها آمده است:

جدول ۱. میزان کاربرد استعاره‌های کارکردی کتاب‌های فارسی درحسب درصد

جمع	استعاره‌های کارکردی			کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی
	جهتی	ساختاری	وجودی	
۱۰۰	-	-	۱۰۰	کتاب فارسی پایه اول
۱۰۰	۱/۷	۲	۹۶/۳	کتاب فارسی پایه دوم
۱۰۰	۰/۷	۱/۷	۹۷/۶	کتاب فارسی پایه سوم
۱۰۰	۰/۸	۱/۵	۹۷/۷	کتاب فارسی پایه چهارم
۱۰۰	۰/۹	۱/۷	۹۷/۴	کتاب فارسی پایه پنجم
۱۰۰	۱/۲	۲	۹۶/۸	کتاب فارسی پایه ششم
۱۰۰	۰/۹	۱/۷	۹۷/۴	مجموع کتاب‌های فارسی

در جدول ۲ مشاهده می‌شود که توزیع هریک از انواع استعاره‌های کارکردی، به‌جز در کتاب فارسی اول ابتدایی، در دیگر کتاب‌های درسی فارسی پایه‌های تحصیلی دوم تا ششم تقریباً یکسان است. ترتیب این استعاره‌ها از بیشتر به کمتر عبارت‌اند از: استعاره کارکردی وجودی، استعاره کارکردی ساختاری و استعاره کارکردی جهتی.

جدول ۲. میزان کاربرد استعاره‌های وجودی در کتاب‌های درسی فارسی درحسب درصد

جمع	استعاره‌های وجودی				کتاب‌های درسی فارسی
	ماده	شیء	تشخیص	حجم	
۱۰۰	۴/۹	۱۲/۹	۳۳/۳	۴۸/۹	کتاب فارسی پایه اول
۱۰۰	۲/۷	۱۲/۳	۲۷/۴	۵۷/۶	کتاب فارسی پایه دوم
۱۰۰	۲	۳۵/۳	۱۳/۸	۴۸/۹	کتاب فارسی پایه سوم
۱۰۰	۳/۳	۲۶/۸	۱۷/۹	۵۲	کتاب فارسی پایه چهارم
۱۰۰	۲/۲	۴۳/۸	۴/۷	۴۹/۳	کتاب فارسی پایه پنجم
۱۰۰	۳	۳۹/۷	۴	۵۳/۳	کتاب فارسی پایه ششم
۱۰۰	۲/۷	۳۴	۱۲	۵۱/۳	مجموع کتاب‌ها

تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی، استعاره وجودی حجمی، بیشترین و استعاره وجودی مربوط به ماده، کمترین کاربرد را دارد. کاربرد استعاره وجودی تشخیص، در کتاب‌های پایه‌های تحصیلی اول و دوم، نسبت به استعاره وجودی شیء بیشتر است. در دیگر پایه‌ها، استعاره وجودی شیء، کاربرد بیشتری را نسبت به استعاره وجودی تشخیص نشان می‌دهد.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

با آغاز و گسترش آموزش رسمی در ایران، تهیه و تدوین مواد درسی مناسب در قالب کتاب‌های درسی برای دوره‌های مختلف همواره یک مسئله مطرح بوده است (رضایی، ۱۳۸۵)، زیرا کتاب‌های درسی یکی از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در فرایند یاددهی و یادگیری به شمار می‌روند و دلیل آن هم این است که یادگیرندگان با یادگیری محتوای آن‌ها می‌توانند قابلیت‌های ذهنی و مهارت‌های فکری خود را توسعه دهند (نوروز زاده و محرم‌زاده، ۱۳۸۵). یکی از ویژگی‌های برجسته هر متن، از جمله متون درسی، زبان آن است، زیرا زبان ابزاری صرف برای بیان تفکر نیست، بلکه جزئی از ذات تفکر است. این موضوع موجب گردیده است تا بسیاری از فلاسفه، زبان‌شناسان و روان‌شناسان نسبت به ملازم بودن «زبان» و «عقل سالم» متفق‌القول گردند (آدی‌بیک و گلباز، ۱۳۸۵). بنابراین برای داشتن تفکر و عقل سالم باید زبان سالمی وجود داشته باشد. برای داشتن زبان رسا و سالم برای کتاب‌های درسی نمی‌توان به‌طور تصادفی و سلیقه‌ای عمل کرد، بلکه این امر مستلزم استفاده از روش‌های علمی، نوین و شناخته شده است. از آنجاکه زبان‌شناسی شناختی به‌عنوان بخشی از علوم شناختی، زبان و تفکر را دو پدیده مرتبط به یکدیگر می‌داند، لذا به‌کارگیری صحیح آموزه‌های آن می‌تواند ما را در رسیدن به یکی از اهداف مهم آموزشی که همانا تهیه و تدوین مواد آموزشی مناسب است، نزدیک سازد. در این پژوهش تلاش گردید تا کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی و بر اساس طبقه‌بندی کووچش (۲۰۱۰) از استعاره‌های کارکردی بررسی و تحلیل گردد. از بین متون متثور کتاب‌ها، ۵۷۷۳ جمله استخراج گردید که حاوی ۶۶۱۰ استعاره کارکردی بودند. در پاسخ به این سؤال که در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، چه نوع استعاره (های) کارکردی (وجودی، جهت‌ی و ساختاری) کاربرد دارد، نتایج بررسی‌های ما نشان داد که به‌جز کتاب فارسی اول ابتدایی که در آن، تنها استعاره وجودی کاربرد دارد، کتاب‌های دیگر هر سه نوع استعاره‌های کارکردی - استعاره‌های وجودی، جهت‌ی و ساختاری - را دارا هستند ولی

استعاره وجودی بیشترین کاربرد را دارد. در پاسخ به سؤال دوم، که: از بین استعاره‌های وجودی، بیشترین کاربرد به کدام استعاره اختصاص دارد؟ نتایج نشان از کاربرد غالب استعاره وجودی حجمی نسبت به دیگر استعاره‌های وجودی دارد. در زبان‌شناسی شناختی و به تبع آن در معناشناسی شناختی، این عقیده وجود دارد که مفاهیم استعاری، حاصل تجربه‌های بدن‌مند هستند. به این دلیل که اولین شناخت انسان به «جایگاه خودش در دنیا» معطوف می‌شود، پس کاربرد زیادتر استعاره وجودی حجمی دور از انتظار نیست. معصومی و کردبچه (۱۳۸۹) نیز استعاره‌های وجودی (هستی‌شناختی) در دست‌نوشته‌های کودکان ۴ تا ۱۱ سال را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آن‌ها نیز نشان داد که استعاره وجودی (هستی‌شناختی) حجمی در بین دیگر استعاره‌های وجودی، بیشترین کاربرد را دارد. اما نتایج پژوهش شریفی و حامدی‌شیروان (۱۳۸۹) در زمینه پنج کتاب داستان کودک، کاربرد غالب استعاره تشخیصی را در میان دیگر استعاره‌های وجودی نشان می‌دادند که شاید به دلیل ماهیت داستانی این متون باشد. وجود اشیاء و جانداران در اطراف انسان و تجربیاتی که از این راه حاصل می‌شود، علت کاربردی شدن استعاره‌های مربوط به تشخیص و شیء در زبان، در مراحل بعدی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان استعاره وجودی تشخیصی در کتاب پایه‌های اول و دوم، بیشتر از میزان استعاره وجودی شیء است و برعکس در دیگر پایه‌ها، استعاره وجودی شیء نسبت به استعاره وجودی تشخیصی کاربرد بیشتری دارند. شریفی و حامدی‌شیروان (۱۳۸۹) به نقل از پیازده اظهار می‌دارند پدیده «تشخیص» از ویژگی‌های تفکر کودک، به‌ویژه در سنین پایین، از جمله سنین سال‌های دبستان است. آن‌ها معتقدند در گروه‌های سنی بالاتر، به دلیل افزایش رشد ذهنی و شناختی کودکان و توانایی آن‌ها در درک استعاره‌های پیچیده، کاربرد این استعاره کاهش می‌یابد. بنابراین کاربرد این استعاره در کلیه کتاب‌ها و نیز کاربرد بیشتر آن در کتاب‌های پایه‌های اول و دوم با این دیدگاه پیازده سازگار است.

در بخش‌های قبل، به اهمیت نقش استعاره به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی مهم، در امر آموزش و نیز تقویت درک و حافظه کودک اشاره گردید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در زمینه کاربرد استعاره کارکردی غنی هستند. اما نکته‌ای که توجه به آن ضروری است تفاوت فاحش کاربرد استعاره کارکردی وجودی (۹۷/۴) با کاربرد استعاره‌های کارکردی ساختاری (۱/۷) و جهتی (۰/۹) است. از آنجاکه با داشتن اطلاعات کم می‌توان از طریق استعاره وجودی، مفاهیم مربوط به چیزهای غیرمادی، ناملموس، مبهم و انتزاعی را در قالب حجم، شیء، تشخیص و ماده

درک کرد، لذا کاربرد بیشتر آن در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، با توجه به شناخت اولیه و ابتدایی کودکان نسبت به پدیده‌ها، قابل توجیه است؛ اما نباید این تفاوت زیاد را از نظر دور داشت، زیرا این موضوع می‌تواند برای کتاب مهمی چون فارسی ایجاد ضعف کند؛ به این دلیل که این کتاب نه تنها مهم‌ترین ابزار فرهنگی، بلکه مهم‌ترین وسیله برای آموزش صحیح زبان فارسی جهت داشتن ارتباط مناسب با دیگران و نیز درک سایر علوم است. بنابراین انتظار می‌رود استفاده از استعاره وجودی باید در مراحل اولیه، که دانش‌آموزان اطلاعات کمی در زمینه مفاهیم دارند، مورد استفاده قرار گیرد و کم‌کم به تناسب سن، به دلیل افزایش رشد شناختی، از میزان آن‌ها کمتر شده و از استعاره‌های پیچیده‌تر استفاده گردد. همچنین از آنجا که پدیده «تشخیص» از ویژگی‌های تفکر دانش‌آموزان ابتدایی محسوب می‌شود، استفاده مناسب از آن می‌تواند به آن‌ها، به‌ویژه در سنین پایین‌تر، کمک کند تا مفاهیم ناملموس، غیرمادی، مبهم و انتزاعی را راحت‌تر درک کنند. در انتها پیشنهاد می‌شود:

۱. از استعاره کارکردی و دیگر استعاره‌ها جهت تحلیل دیگر کتاب‌های درسی، از جمله ریاضی و علوم استفاده گردد؛ زیرا امروزه، در جوامع پیشرفته، استفاده از آن‌ها در تدوین متون آموزشی به امری ضروری تبدیل شده و موفقیت‌هایی را کسب نموده است.

۲. بررسی این استعاره‌ها، در دیگر دوره‌های آموزشی صورت پذیرد.

۳. به هنگام اصلاح و بازنگری کتاب‌ها، از یافته‌های چنین پژوهش‌هایی استفاده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آدی‌بیک، آرزو و گل‌باز، ارغوان. (۱۳۸۵). تحلیل انتقادی گفتمان و بررسی زبان‌شناختی متن در متون دانشگاهی. در جمعی از مؤلفان (گردآورندگان)، کتاب درسی دانشگاهی (۱) ساختار و ویژگی‌ها (صص. ۳۰۰-۳۲۳). تهران: سمت.
- ایران‌زاد، پریسا، رونقی، سیمین و شاه‌محمدی، نیره. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی (با تأکید بر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی). کرج: سرافراز.
- دلاور، علی. (۱۳۹۱). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم). تهران: سمت.
- رسولی، مهستی و امیرآشنایی، زهرا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوا با رویکرد درسی. تهران: جامعه‌شناسان.
- رشتچی، مژگان. (۱۳۸۹). بررسی نظریه ویگوتسکی از دیدگاه روان‌شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان. مجله تفکر و کودک، ۱(۱)، ۳-۲۰.
- رضایی، والی. (۱۳۸۵). معیارهای زبان‌شناختی در تدوین کتاب‌های دانشگاهی. در جمعی از مؤلفان (گردآورندگان)، کتاب درسی دانشگاهی (۱) ساختار و ویژگی‌ها (صص. ۲۸۸-۲۹۹). تهران: سمت.
- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: علم.
- سرمد، زهره، بازگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- شریفی، شهلا و حامدی‌شیروان، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی. مجله تفکر و کودک، ۲(۲)، ۳۹-۶۴.
- شیخ‌رضایی، حسین. (۱۳۸۸). استعاره و علم تجربی. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱(۳۰)، ۵۷-۷۴.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معصومی، علی و کرديچيه، مریم. (۱۳۸۹). استعاره‌های هستی‌شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان. فصلنامه پازند، ۷۹-۹۸.
- میرحسینی، سید اکبر. (۱۳۸۳). رشد شناختی و زبان کودکان. مجله رشد آموزش زبان، ۱۹ (۷۲)، ۱۱-۱۷.
- نوروز زاده، رضا و آقازاده، محرم. (۱۳۸۵). طراحی متن کتاب درسی دانشگاهی: بایدها و نبایدها. در جمعی از مؤلفان (گردآورندگان)، کتاب درسی دانشگاهی (۱) ساختار و ویژگی‌ها (صص. ۲۱۹-۲۳۸). تهران: سمت.
- نوریان، محمد. (۱۳۸۸). راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. تهران: شورا.
- Cameron, L. (1996). Discourse Context and the Development of Metaphor in Children. *Language and Society*, 3(1), 49-64.
- Chen, Y. (2005). A Cognitive Linguistics Approach to Classroom English Voabulary Instruction for EFL Learners in Mainland China. *English Language Teaching*, 1(2), 95-100.
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
- Garfield, E. (1986). The Metaphor-Science Connection. *Essays of an Information Scientist*, 9, 316-323.
- Gibbs, R. W. (1994). *The Poetics of Mind: Figurative Thought, Language and Understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hassan, I. S. (2010). A Comparative Analysis of Conceptual Metaphors in English and Iraqi Arabic. *Journal of Missan Researches*, 7(13), 325-353.
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Kristiansen, G., Achard, M. & Dirven, R. (2006). Cognitive Linguistics: Current applications and future perspectives. In Kristiansen, G., Achard, M. & Dirven, R. (eds.), *Cognitive Linguistics: Current applications and future perspectives* (pp.1-17). New York: Mouton de Gruyter.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: Chicago University Press.
- Lakoff, G. (1993). *The Contemporary Theory of Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Saeed, J. (2003). *Semantics*. Oxford: Blackwell.

تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

پی‌نوشت‌ها

1. Cognitive linguistics
 2. Kristiansen, G., Achard M., Achard, Dirven, M. R. & Ibañez, F.
 3. Lund, N.
 4. Cognitive sciences
 5. Chen, Y.
 6. Lakoff, G.
 7. Vygotsky, L. S.
 8. Saeed, J. I.
 9. Garfield, E.
 10. Johnson, M.
 11. Metaphors We Live By
 12. Conceptual domain
 13. Kovecses
 14. Evans, V. & Green, M.
 15. Source domain
 16. Target domain
 17. experiential basis
 18. linguistic metaphor
 19. metaphorical linguistic expression
 20. Metaphor, A Practical Introduction
 21. conventionality
 22. function
 23. nature
 24. Level of generality
 25. complexity
 26. structural
 27. orientational
 28. ontological
۲۹. تعیین ماهیت دقیق بر عهده استعاره‌هایی چون استعاره‌های ساختاری است.
30. personification
۳۱. در این مورد، حسن (۲۰۱۰)، به نقل از لیکاف و جانسون، (۱۹۸۰) می‌نویسد گاهی آنچه مطروف واقع می‌شود، می‌تواند «ماده» باشد.
۳۲. از آن‌جا که در بعضی از جمله‌ها، بیش از یک استعاره وجود داشت، گاهی واحد شمارش از واحد ثبت بیشتر می‌شد.

